

## خط خوشنویس فارو تا شیران در فرهنگ ایران

صادق صیاد

در ایران بود. در این مدت، برای نوشتن کتاب، یا دیگر نوشتنی‌ها، از نوعی خط شبیه به نسخ، که در نگارش به خط تعلیق که بعدها وضع گردید بی‌شبهت نبود، استفاده می‌شد.

در سده‌های نخستین، که خط عربی به صورت مهمان تازه وارد و ناخوانده به ایران پا گذاشت، به هنر خوشنویسی توجهی نمی‌کردند، زیرا ایرانیان به خط عربی نیز، چون خود اعراب، به چشم‌بیگانه‌می‌نگریستند.

از اواخر سده‌ی دوم و آغاز سده‌ی سوم، این وضع دگرگون شد. روی کار آمدن عباسیان به وسیله‌ی ایرانیان، رنگ ایرانی گرفتن خلافت عباسی، و قدرت یافتن پرمکیان، ایرانیان را به خط تازه علاقه‌مند کرد و حس بیگانگی با آن رو به کاهش گذاشت. در این هنگام بود که ایرانیان به فکر افتادند تا از خط موجود، خط زیبایی پدید آورند که راضی‌کننده‌ی روح زیبا پسند آن‌ها باشد. پیشاهنگ و مشوق این کار بزرگ پرمکیان بودند. سرانجام، در پایان سده‌ی سوم و آغاز سده‌ی چهارم، چهره‌ی درخشانی هم‌چون محمدبن علی الفارسی، مشهور به **ابن مقله**، وزیرالمقتدر، در عالم خوش‌نویسی جلوه‌گر شد. با ظهور ابن‌مقله، خط وارد مرحله‌ی تازه‌ای گردید. این مرحله نخستین و مهم‌ترین گام در راه تکامل خط و پیدایش گونه‌های جدید آن شد. این آغاز جنبشی بزرگ و پیدایش هنر خوش‌نویسی بود که در سده‌های بعد به اوج کمال رسید.

ابن مقله از مردم **بیضای** فارس بود و در علوم زمان خود، مانند فقه و تفسیر و ادبیات و شعر و ترسل، یگانه‌ی زمان خویش به شمار می‌آمد. وی که شواری خط کوفی را برای ایرانیان و دیگر مردم مسلمان دریافته بود، دست به ایجاد خط تازه‌ای زد و خطوط **محقق**، **ریحان** و **ثلث** و سرانجام **نسخ** را، که نسخ‌کننده‌ی همه‌ی خطوط در سهولت نگارش بود، به وجود آورد. خط **رِقا**ع را نیز از ابتکارهای او دانسته‌اند.

ابن مقله به سال ۲۷۲ هجری چشم به دنیا گشود و زندگی پرنشیب و فرازی را پشت سر گذاشت. مدتی حکمران بعضی از ولایات فارس بود. سه بار به وزارت رسید و در روزگار خلیفه‌ی ستمگر، **الراضی بالله**، به واسطه‌ی سخن‌چینی دشمنان، مورد خشم خلیفه قرار گرفت و دست راست او را بریدند. او مدتی با دست چپ و سپس با بستن قلم بر بازوی بریده، به نوشتن پرداخت. اما دشمنان باز از او دست برنداشتند تا سرانجام او را به زندان افکندند و به سال ۳۲۸ هجری وی را به قتل رساندند.

چنین بود سرنوشت مردی که نخستین خط خوش را ایجاد کرد و نخستین قواعد خوش‌نویسی را پدید آورد. پیروی از مکتب هنری ابن ایرانی پاک نهاد بود که سبب درخشش چهره‌های تابناکی چون **ابن بواب** (در گذشته به سال ۴۲۳ هجری) و **یاقوت مستعصمی** (در گذشته به سال ۶۸۷ هجری) شد.

ایرانیان کار تغییر و تحول در خط و ایجاد خطوط تازه را هم‌چنان ادامه دادند. در میانه‌ی سده‌ی هشتم هجری، به تدریج سه نوع خط تازه به وجود آمد که کاملاً رنگ ایرانی داشت و حتی تأثیر

پیدایش خط را باید یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تمدن بشر دانست، رویدادی که هرچه زمان بیشتر بر آن بگذرد، ارزش و اهمیت آن روشن‌تر می‌شود. فرهنگ امروز بشر، دارای ریشه‌های عمیق چند هزار ساله است، و تلاش و تفکر میلیون‌ها بشر دست به دست هم داده است تا دانش بشر را به این پایه رسانده است. انتقال این میراث گرانبها، که هر روز بارور و بارورتر می‌شود، چگونه انجام پذیرفته است؟ این سؤال است که تنها یک جواب دارد: «از راه نوشتن». آیا همین سؤال و جواب کوتاه، برای نشان دادن ارج و ارزش خط بسنده نیست؟

اگر امروز حاصل تجربه‌ها و اندیشه‌های هزاران هزار دانشمند و متفکر و فیلسوف روزگار گذشته در دسترس ما نبود، بشر ناگزیر به دوباره آزمودن آزموده‌های گذشته می‌شد، و پیداست که از این رهگذر چه فرصت‌های گرانبهایی تباہ می‌شد.

مطالعه‌ی برخی از رشته‌های دانش سبب می‌شود که گاهی به این ارج و ارزش توجه بیشتری بشود. از جمله‌ی این دانش‌ها باید از تاریخ، باستان‌شناسی و تاریخ هنر نام برد. امروز وقتی که سنگ‌نبشته‌ها، لوحه‌ها و خطوط نقش شده بر آثار باستانی را بررسی می‌کنیم یا آن‌ها را می‌خوانیم، می‌بینیم که بسیاری از آن‌چه قرن‌ها از دیده‌ی ما پنهان مانده است، روشن می‌شود. در حفريات باستان‌شناسی، پراچ‌ترین اشیا، سنگ‌نبشته‌ها یا اشیا **یابی است که در آن‌ها خط نیز موجود باشد، زیرا این گونه اشیا، بیش از دیگر اسناد، روشن‌کننده‌ی گوشه‌های تاریک تاریخ گذشتگان است.**

با شناخت ارزش خط از حیث حفظ میراث‌های معنوی و فرهنگ و دانش بشر، باید به این اصل مهم توجه کرد که خط به این منظور پدید آمد تا وسیله‌ای برای نمایش و ضبط و مبادله‌ی فکر و دانش باشد. جاویدان ساختن افکار و دانش‌های بشری، تنها از این راه مقدور بود، و هدف اصلی پیدایش و تکامل خط از دیرترین روزگاران و در میان ملت‌ها همین بوده است و امروز نیز از خط انتظاری جز این نمی‌رود.

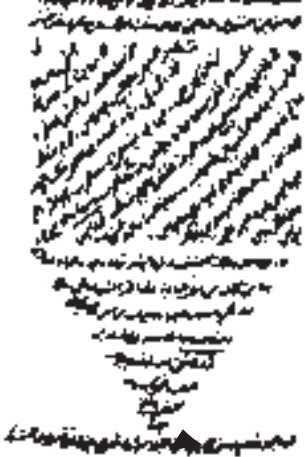
## خط به مثابه هنر

در ایران، گذشته از هدف سودمندی که گفته شد، خط به منزله‌ی یک رشته از هنرهای زیبا مورد استفاده‌ی مردم هنردوست قرار گرفته است و هنرمندان بلندآوازه‌ای در این رشته پدید آمده‌اند. برای دریافتن علل پیدایش چنین وضعی، باید کمی به عقب برگردیم.

پس از آن‌که شاهنشاهی ساسانی فرو افتاد و مردم ایران اسلام را پذیرفتند، به سبب نیازهای مذهبی و سیاسی خط عربی وارد فرهنگ و تمدن ایران شد. ایرانیان مسلمان شده، به قرآن، که کتاب مذهبی تازه بود، نیازمند بودند و قرآن نیز به **خط کوفی** نوشته می‌شد. ایرانیان مسلمان ناگزیر بودند خط کوفی را بیاموزند و بخوانند. خط کوفی، از لحاظ خواندن و نوشتن، خطی مشکل بود.

با این حال، مدتی در حدود پنج سده خط کوفی خط معمولی برای نوشتن قرآن و کتیبه‌های تزیینی بناها یا وسیله‌ی آراستن اشیا





فریده میر محمدی (۱۳۴۵)

دبیر موفق، اهل قلم، مازندران

مدرك جامعه‌شناسی دارد و در همین رشته تدریس می‌کند. تاکنون در طرح سؤالات استناد در درس جامعه‌شناسی، رتبه‌ی دوم کشوری را کسب کرده و در مسابقه‌ی مقاله‌نویسی در سطح کشوری نیز مقام آورده است. از دیگر فعالیت‌های فرهنگی آموزشی او، سخن‌رانی و نوشتن مقاله در حوزه‌های اکولوژی شهری، زنان کراقرین، سرمایه‌ی اجتماعی و بورس و اقتصاد است.

میرزا محمدرضا کلهر و میرزا محمدحسن کاتب شیرازی به کار نستعلیق نویسی جانی تازه بخشیدند. اما این درخشش خوش، دولت مستعجل بود و در سده‌ی چهاردهم هجری این انحطاط تشدید شد. ظهور چهره‌ی تابناکی مانند میرزا محمد حسین عمادالکتاب، و اسپین نستعلیق‌نویس توانای ایران نیز نتوانست جلوی این فروافتادن را بگیرد.

\*\*\*

همان‌گونه که زبان فارسی از یک سو تا سراسر هند و چین و خاور دور و از سوی دیگر تا آسیای میانه و نیز از سوی تا مصر و دیگر کشورهای آفریقا، هم‌چون زنگبار، رفت، خط فارسی نیز ناچار با زبان فارسی به دورترین نقاط جهان برده شد و نماینده‌ی تمدن و هنر ایران گردید و بناهای بزرگ و باشکوه را زینت بخشید.

در ایران بزرگ، که کانون خوش‌نویسی به شمار می‌آمد، خط به صورت هنری اصیل، به ویژه از جنبه‌ی تزئینی، مورد توجه قرار گرفت و به صورت کامل‌ترین و زیباترین هنر تزئینی جلوه‌گر شد. هیچ‌یک از ساخته‌های دستی هنرمندان ایرانی، از تزئینات خطی بی‌بهره نماند. خط به صورت عامل تزئینی در بناها، ساخته‌های فلزی، پارچه‌بافی، سفالگری، ساخته‌های چوبی و بسیار چیزهای دیگر، خودنمایی کرد.

این زاده‌ی ذوق لطیف و خوی هنرپرور و زیباپسند ایرانی، با توجه فوق‌العاده‌ای که به تزئین آثار به وسیله‌ی خط در ایران می‌شد، به زودی به اوج کمال رسید. سبب این اعتلای هنری خط آن بود که با ورود مذهب اسلام به ایران و گرویدن ایرانیان به آن، هنر نقاشی به سبب پاره‌ای عقاید مذهبی، برای مدتی کوتاه به دست فراموشی سپرده شد و به جای آن در تزئین اشیاء از خط استفاده می‌شد. از آن زمان بود که به صورت عامل تزئینی درآمد و به خوش‌نویسی توجه بیشتری شد. تا بدان‌جا که خط‌های خوش کاملاً ایرانی در طول سده‌های بسیار، زیب‌بناهای تاریخی و اشیاء و آثار هنری سرزمین ما شد. بی‌تردید هیچ چشمی نیست که از دیدار کتیبه‌های خوش‌خطی که بر کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ مسجدها و گنبدها و گلدسته‌های سراسر کشور ما نقش شده است، لبریز از لذت و شگفتی نشده باشد، و این حاصل ذوق و تلاش هزاران هنرمندی است که در طی سده‌های بسیار، در راه بزرگداشت هنر ایرانی فداکاری کرده‌اند. یادشان گرمی باد، هرچند از کالبد خاکی آنان اثری باقی نیست.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، خط و خوش‌نویسی نیز حیاتی تازه یافت و در مدتی نسبتاً کوتاه، چهره‌های برجسته‌ای در آن به ظهور رسیدند و جوانان بسیاری به سوی فراگرفتن خط رفتند. در واقع، آن‌چه موجب و موجد این امر شد، رونق گرفتن مجدد فرهنگ دینی و مذهبی و نیز بازگشت به آثار گران‌قدر زبان فارسی بود که با خوش‌نویسی پیوندی دیرینه دارند؛ علاوه بر این که خوش‌نویسی معمولاً در نوشتن اشعار، آیات، احادیث و به ویژه کتیبه‌های مساجد و بقاع متبرکه بازتاب می‌یابد و همه‌ی این‌ها در انقلاب اسلامی ظهوری دوباره یافتند.

مجموع این تحولات سبب شد، این هنر ارزشمند به مرحله‌ای تازه پا بگذارد و آثاری بدیع که تا این زمان کمتر سابقه داشت، پدید آید. اشاره می‌کنیم که ابداع خط تازه‌ای به نام خط معلی به ابتکار حمید عجمی و نیز تحریر دوقرآن بسیار نفیس به نام «قرآن عقیق» و «قرآن ریحان» به دست استاد بهرام سالکی، تنها دو نمونه از دستاوردهای فرهنگی و هنری این دوره است. ●

خطوط پهلوی و اوستایی، یعنی خطوط دینی و ملی ایرانیان، در آن دیده می‌شد. این سه خط به کلی از رنگ و شیوه‌ی عربی تهی و کاملاً فارسی بود. شکل الفبای این سه خط، هرچند که با خط عربی هم‌ریشه بود، با الفبای عربی تفاوت بسیار داشت، و عبارت بود از تعلیق، نستعلیق، و شکسته تعلیق، ظهور خوش‌نویسان و استادان بسیار این سه خط را به اوج زیبایی رساند، تا جایی که در کشورهای نزدیک، مانند عثمانی و هندوستان، و کشورهای دور، مانند مصر، مورد تقلید قرار گرفت.

نامورترین خوش‌نویس خط تعلیق اختیارالدین منشی گنابادی است. در نیمه‌ی دوم سده‌ی هشتم، خط نستعلیق، یعنی معروف‌ترین خط ایرانی، رواج یافت. تبریز و هرات دو مرکز مهم رونق گرفتن این خط بودند. بیشتر مورخان و تذکره‌نویسان میرعلی تبریزی را واضع و ایجادکننده‌ی آن خط می‌دانند.

نستعلیق از ترکیب دو خط تعلیق و نسخ به وجود آمد و در آغاز آن را «نسخ تعلیق» می‌خواندند و سپس نام آن به صورت کوتاه شده‌ی نستعلیق درآمد. خط نستعلیق نشانه‌ای از طبع و ذوق زیباپرست و زیباپسند ایرانی، و بی‌شک زیباترین و ظریف‌ترین خط فارسی است. اگر چه جمعی را عقیده بر این است که خط نستعلیق پیش از میرعلی تبریزی وجود داشته است، باز مسلم است که وی نخستین کسی است که این خط را استقلال و قاعده بخشیده است. مرگ میرعلی تبریزی را به سال ۸۵۰ هجری نوشته‌اند.

از خوش‌نویسان دیگر نستعلیق، که عده‌ی آن‌ها بسیار زیاد است، باید از میرزا جعفر تبریزی ملقب به بایسنقری، اظهر تبریزی، سلطان علی مشهدی، سلطان محمد خندان، سلطان محمد نور، میرعلی هروی، و مشهورترین آنان، میرعماد حسنی سیفی نام برد.

نام میرعماد با خط نستعلیق به نحوی جدایی‌ناپذیر در پیوسته است. میرعماد ظاهراً به سال ۹۶۱ هجری قمری در قزوین چشم به جهان گشود و به سال ۱۰۲۴، به روزگار شاه عباس، در اصفهان کشته شد. میرعماد هنرمند بنام و انسانی به کمال بود. او در نوشتن نستعلیق در درجه‌ای از بلندی مقام قرار دارد که نه دستی پیش از او بهتر نوشته است، نه گمان می‌رود که پس از او هم مادر دهر فرزندی با چنین دست‌هایی هنرمند بزیاید، شیوه‌ی کار میرعماد و آنچه او در نستعلیق‌نویسی وضع کرده است، هنوز بدون کم و کاست دنبال می‌شود.

شکسته نستعلیق در اواخر دوره‌ی صفویه رواج یافت. اما به سبب دشواری نگارش و خواندن، کم‌کم از رونق افتاد و به صورت شکسته درآمد. در میان معروف‌ترین شکسته‌نویسان چهره‌ی درویش عبدالمجید طالقانی از همه تابناک‌تر است. وی در عمر کوتاه خود آثار بسیاری برجای گذاشته است که امروز زینت‌بخش موزه‌ها و کتاب‌خانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی است. درویش عبدالمجید به سال ۱۱۸۵ در سن سی و پنج سالگی در اصفهان درگذشت.

هنر خوش‌نویسی از آغاز سده‌ی دوازدهم هجری به انحطاط گرایید و از این زمان به بعد، عده‌ی خوش‌نویسان همواره کمتر و کمتر شد، تا جایی که در مدت دو سده، تنها به نام عده‌ی انگشت شماری خوش‌نویس نامور برمی‌خوریم. در طول سده‌ی سیزدهم، جنبش دیگری در هنر خوش‌نویسی پدید آمد. این جنبش به ویژه در خط نسخ دیده می‌شود. ظهور خوش‌نویسانی مانند وصال شیرازی، اشرف‌الکتاب اصفهانی و علیرضا توهنر نسخ‌نویسی را به کمال رساند. در نیمه‌ی آخر سده‌ی سیزدهم، خوش‌نویسانی مانند میرزا اسدالله شیرازی، داوری (پسر وصال)، حاج میرزا فضل‌الله، میرزا ابوالفضل ساوجی، میرزا غلامرضا اصفهانی،

